

کارنامه‌ی جامعه‌شناسی توسعه ۲

سبب‌شناسی توسعه نیافتگی ایران

احمد آل یاسین

پژواک کیوان

۱۳۹۹

برنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

سبب شناسی توسعه نیافتگی ایران
احمد آل یاسین

پژواک کیوان

طراح جلد: آرزو خدارضایی

چاپ و صحافی: کامیاب

چاپ: دوم

سال نشر: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

شماره ثبت: ۳۴۶۶۹۷-۳۲۸۱۳-۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۹-۰۳-۱

نشر پژواک کیوان

www.pjkeyvan.com

pjkeyvan@gmail.com

تهران؛ سپهبد قرنی، کوچه حقیقت طلب، شماره ۳، واحد ۲۶

تلفن: ۸۸۰۴۲۴۹؛ دورنگار: ۸۸۸۹۷۲۱۲-۰۲۱؛ همراه: ۰۹۱۲۸۱۴۱۰۳۳

فهرست مطالب

صفحه

۷	فهرست
۱۳	پیش درآمد
۱۷	پیش گفتار (طرح مسأله)
۲۳	بخش اول - الگوواره ی کیفیت زندگی
۲۵	الگوواره ی کیفیت زندگی
۲۸	تعریف توسعه
۲۸	حق توسعه
۲۹	توسعه یافتگی
۲۹	توسعه نیافتگی
۳۰	چالش های جهانی برای توسعه
۳۱	توسعه ی پایدار
۳۱	علوم انسانی
۳۲	جامعه ی مدنی
۳۲	نهادهای مدنی
۳۴	شهروند
۳۶	سند اجرای حقوق شهروندی
۳۷	سرمایه ی اجتماعی

این دفتر با امید پایدار تقدیم می‌شود به :

مادران و معلمان دانای ایرانی که سنگینی بار ایجاد فضای مناسب آموزش و پرورش فرزندان ایران‌زمین، از مهد کودک تا دانشگاه به‌ویژه در زمینه‌های زیر بر شانه‌های پرتوان و نیروبخش آنان وارد می‌شود :

پایداری در کرامت انسانی

رشد عقلانیت و اندیشه ورزی

رشد دانشوری و دانایی

منش و اخلاق خوب

آرمان‌گرایی

هدف‌مندی

قانون‌گرایی

وظیفه‌شناسی

مسئولیت‌پذیری

تعامل؛ مدارا و رواداری با دیگران

پاک‌دستی و عدم تجاوز به حقوق دیگران

دل‌بسته توسعه و سرفرازی ایران و ایرانیان

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتاب‌شناسی:

آل یاسین؛ احمد،. ۱۳۱۴ خ.- سبب‌شناسی توسعه‌نیافتگی ایران
سبب‌شناسی توسعه‌نیافتگی ایرانیان / احمد آل یاسین
تهران، پژوهاک کیوان، ۱۳۹۹
۴۰۰ ص
پژواک کیوان ۱۲۷؛ کارنامه جامعه‌شناسی توسعه ۲
۱-۰۳-۷۰۲۹-۶۲۲-۹۷۸
کتابه نامه
عقب‌ماندگی -- ایران
Underdevelopment -- Iran
رشد اقتصادی - ایران
Economic development – Iran
توسعه اجتماعی -- ایران
۶۷۰HN/۲
۹۵۵
۶۲۴۶۶۲۱

۹۳	تاریخ‌شناسی دوره‌های آبیاری ایران	۳۸	رفتار و هنجارهای اخلاقی
۹۳	دروهی هخامنشیان	۳۹	شاخص‌های کیفیت زندگی
۹۳	دوره‌ی اشکانیان		
۹۴	دوره‌ی ساسانیان	۴۳	بخش دوم - ناکامی ایران در توسعه‌پذیری
۹۴	دوره‌ی حکومت عرب	۴۵	پیشینه‌ی توسعه در ایران
۹۴	بعد از ورود عرب تا حمله مغول	۴۹	توسعه‌ی کره جنوبی
۹۴	دوره‌ی آل بویه	۵۰	توسعه‌ی مالزی
۹۴	دوره‌ی مغول	۵۱	توسعه‌ی سنگاپور
۹۵	دوره‌ی تیموریان	۵۲	توسعه‌ی چین
۹۵	دوره‌ی صفویه	۵۲	توسعه‌ی تایوان
۹۵	دوره‌ی قاجاریه	۵۳	وضع موجود ایران
۹۵	دوره‌ی پهلوی	۶۵	منابع طبیعی
۹۶	دوره‌ی جمهوری اسلامی	۶۵	گردش‌گری با جاذبه‌های بالا
۹۸	موانع تاریخی توسعه‌ی کشاورزی	۶۵	موقعیت استراتژیک جغرافیایی
۱۱۴	موانع اجرایی توسعه‌ی کشاورزی	۶۵	سرمایه‌ی انسانی
۱۲۸	مشاغل پیشه‌وری پیشینیان	۶۶	حوزه‌های علم و فناوری
۱۳۱	وضعیت پیشه‌وران و اصناف	۶۹	در جست‌وجوی پاسخ
۱۳۶	پیشه‌وران و اصناف دوره‌های متأخر		
۱۳۸	پیشه‌وران دروه‌ی مشروطیت	۷۱	بخش سوم - فیزیوگرافی و منابع طبیعی ایران
۱۴۰	پیشه‌وران دروه‌ی قاجار	۷۳	سیمای طبیعی ایران
		۷۷	اهمیت آب در ایران
۱۴۵	بخش چهارم - تحولات و سوانح تاریخی	۷۹	پیدایی شهرها و روستاها در کنار منابع آب
۱۴۷	پیشینه‌ی تاریخی	۷۹	راه‌های ارتباطی
۱۴۸	هویت ایرانی	۸۲	نقش ایلات و عشایر
۱۴۸	هویت ملی و قومی	۸۵	تاریخ ایلات ایران، تاریخ ایران است
۱۵۹	دوره‌های عمده‌ی تاریخی ایران	۹۰	اقتصاد معیشتی کشاورزی و پیشه‌وری
۱۶۰	حکومت هخامنشیان	۹۰	نظام بهره‌برداری از منابع آب در کشاورزی

۲۰۳	دیوان‌سالاری خوارزمشاهیان	۱۶۰	حکومت اسکندر و سلوکیان
۲۰۳	دیوان‌سالاری مغول	۱۶۰	حکومت اشکانیان
۲۰۴	دیوان‌سالاری تیموریان	۱۶۰	حکومت ساسانیان
۲۰۴	دیوان‌سالاری صفویه	۱۶۲	حمله‌ی اعراب و حکومت خلفا
۲۰۶	دیوان‌سالاری افشاریه و زندیه	۱۶۳	حکومت سلسله‌های ایرانی
۲۰۶	دیوان‌سالاری قاجاریه	۱۶۳	حکومت ایلیاتی غزنویان
۲۱۱	دیوان‌سالاری تحت تأثیر انقلاب مشروطه	۱۶۴	حکومت ایلیاتی سلجوقی
۲۱۲	دیوان‌سالاری پهلوی	۱۶۴	حکومت قبایل مغول‌ها و تاتارها
۲۱۴	اعطا و فروش القاب و عناوین	۱۶۶	آغاز رنسانس اروپا
۲۱۹	فساد در دیوان‌سالاری	۱۶۷	حکومت ایلیاتی صفوی
۲۲۶	بوروکراسی بومی بر پایه‌ی دیوان‌سالاری کهن	۱۶۸	پیش‌رفت تحولات اجتماعی و فرهنگی اروپا
۲۲۸	مشخصات غالب و مصادیق بارز بوروکراسی بومی ایران	۱۶۹	حکومت ایلیاتی افشار و زندیه
		۱۷۰	حکومت ایلیاتی قاجار
۲۴۱	بخش پنجم - روند تاریخی سیر فرهنگ و تولید فکر	۱۷۱	پیش‌رفت مدرنیته در اروپا
۲۴۵	دوره‌ی هخامنشی	۱۷۲	حکومت پهلوی
۲۴۷	دوره‌ی سلوکیان	۱۷۲	چکیده‌ی دوره‌های تاریخی
۲۴۸	دوره‌ی اشکانیان	۱۷۶	حکومت‌های ملوک‌الطوایفی
۲۴۸	دوره‌ی ساسانیان	۱۷۸	تأثیر استبداد کهن در تاریخ معاصر
۲۵۰	دوره‌ی حکومت خلفا	۱۹۳	پیشینه‌ی دیوان‌سالاری ایران
۲۵۱	سده‌ی سوم و چهارم هجری	۱۹۳	مروری فشرده بر دیوان‌سالاری دوره‌های تاریخی
۲۵۸	سده‌ی هفتم تا نهم هجری	۱۹۳	دیوان‌سالاری هخامنشیان
۲۶۴	دوره‌ی قاجار	۱۹۴	دیوان‌سالاری اشکانیان
۲۶۵	دوره‌ی مشروطیت	۱۹۴	دیوان‌سالاری ساسانیان
۲۶۷	دوره‌ی پهلوی تا ۱۳۹۷	۱۹۵	دیوان‌سالاری خلفا
۲۶۹	جمهوری اسلامی	۱۹۶	دیوان‌سالاری سلسله‌های ایرانی
۹۷۲	راز ماندگاری ایران و ایرانیان	۱۹۸	دیوان‌سالاری غزنویان
۲۸۲	نتیجه‌ی کلی	۱۹۸	دیوان‌سالاری سلجوقیان

۲۸۳	بخش ششم - منش و خلقیات ایرانی
۲۸۶	اخلاق ایرانیان دوران باستان
۲۸۹	اخلاق ایرانیان، بعد از ساسانیان
۳۲۷	بخش هفتم - چاره - راه کار در تغییر و خودپالایی؛ «پارادایم شیفت»
۳۵۳	کتاب‌نامه
۳۶۵	نمایه

پیش‌درآمد

در متون توسعه که طی سه دهه‌ی اخیر تألیف شده به ندرت کتابی مسایل توسعه‌نیافتگی ایران را به اندازه و مقیاس این اثر اخیر جناب آقای احمد آل یاسین به صورت «متمرکز و چند بعدی» به بحث گذاشته است. این تحقیق نه تاریخ را سرزنش می‌کند و نه سرزمین و منابع طبیعی را، در نهایت و تحقیقاً به درستی به «اندیشه، فکر، تشخیص و مدیریت انسان‌ها و مدیران» می‌رسد.

کند شدن اندیش‌ورزی و خردورزی برای چندین قرن در ایران همراه با ناامنی، بی‌ثباتی، دلواپسی و نگرانی روزمره مردم تأثیرات سویی بر کنش و منش و اخلاقیات توده‌ی مردم وارد کرده است. کوشش‌های قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر و مستشارالدوله و تلاش روشن‌فکران دوره‌ی مشروطیت و بعد از آن تا امروز در روشن‌گری توده‌ی مردم سرگردان میان سنت و مدرنیته مؤثر واقع نشده است. دانشگاه‌ها هنوز نتوانسته‌اند انسان توسعه‌گرا، وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر، متفکر، واقع‌گرا، پرسش‌گر، سنجش‌گر، متعهد به اخلاق و منش نیکو پرورش دهند. (ص ۳۲۰ کتاب)

نکات فوق جناب آقای آل یاسین، حاکی از تمرکز راه حل‌ها بر «فکر و اندیشه» برای توسعه‌نیافتگی و تعمیم آن در کلیت جامعه است. به عبارت دیگر، فرآورده‌های توسعه‌نیافتگی غرب؛ مانند اتوموبیل، برق، کامپیوتر، اینترنت به ایران رسید، ولی مبانی فکری تولید این فرآورده‌ها پشت مرزها متوقف شد و به جز بخش بسیار قلیلی از جامعه از پذیرش و نهادینه کردن آن‌ها هم دوری جست و هم در بسیاری از مواقع مبارزه کرد. «کتاب سبب‌شناسی توسعه‌نیافتگی» به نقش کلیدی نخبگان، خبرگان و اندیشه‌ورزان اشاره می‌کند که اگر به کار گرفته نشوند، خواسته یا ناخواسته، به مهاجرت و غربت‌نشینی روی می‌آورند (ص ۲۷۴).

شاید به صورت تلویحی، نویسنده اذعان می‌کند که اندیشه‌ی مدرنیته در بستر فرهنگی عمومی عامه مردم جایگاه پیدا نکرد که در متن کتاب تحت عنوان تقابل سنت و مدرنیته به بحث گذاشته می‌شود. (ص ۲۷۷).

با آنکه کتاب به آسیب‌های محیطی و فیزیکی کشور اشاره می‌کند، اما آن‌ها را با دانش و مدیریت قابل تفوق تلقی می‌کند (بخش سوم کتاب). اما پرسشی که براساس داده‌های وسیع کتاب در رابطه با ۶۳۰۰۰ استاد دانشگاه، ۲۵۰۰ مؤسسه‌ی دانشگاهی و ۴ میلیون دانشجو (ص ۲۷۴) می‌توان مطرح کرد، این است که چرا تحصیل کرده‌ها و دانشگاهیان نمی‌توانند به توافق، تفاهم و اجماع برسند؟

آیا مشکل در استدلال و دانش است یا خلیات افراد، اعم از اینکه دانشگاهی باشند یا خیر؟ توسعه‌یافتگی، هم دانش می‌خواهد و هم تفاهم و اجماع پایدار؛ همانند ژاپن و کره جنوبی در گذشته و هم‌اکنون در ویتنام، چین، و کشورهای عضو آسه‌آن.

آیا برتری فردگرایی نود درصدی بر جمع‌گرایی ده درصدی در میان افراد پاسخ به این سؤال است؟ مگر این نیست که در خاور دور، جمع‌گرایی و تمایل بسیار قدرت‌مند افراد به اجماع و «پایداری در اجماع»، رمز موفقیت این کشورها است! کتاب در یک جمله، پاسخ خود را به این پرسش مطرح می‌کند: «حکمرانی شغل و ایدئولوژی نیست. حکمرانی کاربرد دانش؛ تدبیر و مهارت از طریق عقلانیت و خرد جمعی است (ص ۲۳۸).

نکته حائز اهمیت در این کتاب پرداختن به آن دسته از شواهد تاریخی است که متغیرهای توسعه‌نیافتگی و فقدان تفاهم، اجماع و یک‌پارچگی را به صورت بلورین نشان می‌دهد (بخش چهارم کتاب).

در بخش دوم کتاب (۴۵-۷۰) خلاصه‌ی بسیار دقیقی از وضعیت عمومی اقتصادی-اجتماعی کشور ارائه شده است که درج آن در مقدمه‌ی کتاب و پرسش‌گری‌های بعدی از دقت و نظم فکری و حساسیت‌سازماندهی و پرورش عالمانه‌ی استدلال‌های بعدی حکایت می‌کند.

کتاب حاضر برای فهم موضوعات توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی به خوبی طراحی شده است و روانی متن، تسلسل منطقی فصول، ادله‌ی قابل اتکا و شفافیت مباحث آن برای هر فرد تحصیل کرده‌ای در هر رشته‌ای مناسب است. خواندن این کتاب، خواننده را از پرده‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی عبور می‌دهد و با اعداد و ارقام و جملات کوتاه با معنا، سلسله مباحث مفیدی را عرضه می‌کند.

تنها نکته‌ای که به عنوان یک دانشجوی توسعه می‌توانم به بخش هفتم «پارادایم شیفت» اضافه کنم این نکته است که ایران هنوز «ملت-دولت» نشده است. این اسکلت و فوندانسیون توسعه است که هم آلمان، هم ویتنام، هم استرالیا، هم کره

جنوبی، هم ژاپن، هم چین از آن بهره‌مندند. مطالعه‌ی تاریخ توسعه‌یافتگی غرب و غیرغرب این مهم را به ما گوشزد می‌کند.

مشتاقانه منتظر چاپ کتاب خواهم بود و امیدوارم آثار مفید جناب آقای آل یاسین که از دقت و تمرکز علمی برخوردارند هم‌چنان به جامعه‌ی علمی ارائه شوند.

محمود سریع‌القلم

دانشگاه شهید بهشتی

خرداد ۱۳۹۹

تشخیص گوهر انسانی هرگز
پاسخی برای پرسش‌های بشری
نیست، بلکه آن خود اساساً یک
پرسش است

«مارتین هایدگر»

پیش‌گفتار و طرح مسأله

مشاهده و پی‌گیری پیش‌رفت توسعه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران در طول شصت سال (۱۳۹۹-۱۳۳۹) خدمت نگارنده در طرح‌های بزرگ توسعه و آبادانی کشور، پرسش‌های زیادی به وجود آورد که چرا جهان‌داری سترگ ایرانیان و پایه‌گذار درخشان‌ترین تمدن جهان، گرفتار عقب‌ماندگی شده و در بیش‌تر حوزه‌های زیست‌انسانی و رفاهی جامعه پیش‌رفت نکرده است.

پرسش این است که اگر ایران، زودتر از کشورهای تازه توسعه‌یافته‌ی؛ چین، هند، ترکیه، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور به فرایند برنامه‌ریزی برای توسعه وارد شد، پس چرا از همه‌ی آن‌ها عقب‌تر مانده است؟ به سخن دیگر، چرا پس از ۷۰ سال برنامه‌ریزی و اجرای ۱۱ برنامه‌ی میان‌مدت و ۵۰ سال حضور در عرصه‌ی آمایش سرزمین، خروجی نظام برنامه‌ریزی چیزی نیست، جز اقتصادی تک‌محصولی بر پایه‌ی فروش نفت خام، رکود تولید، اقتصاد رانتی غیرمولد، قاچاق بی‌رویه، عدم تعادل و نابرابری‌های گسترده‌ی اجتماعی، فقر گسترده، غلبه‌ی انواع بحران‌های زیست‌محیطی، مهاجرت روستاییان و حاشیه‌نشین‌ها و سرانجام زوال، فرسودگی و از هم‌گسیختگی جامعه.

در حالی که نمی‌توان توسعه‌نیافتگی را معلول نبود منابع و امکانات یا محصول بی‌پولی، نبود برنامه و کم‌بود نخبگان و خبرگان و کارشناسان دل‌سوز دانست. کم‌این‌که در دوره‌های تاریخی بعد از انقلاب، پول‌های بسیاری نصیب کشور شده که در هزرتوی بوروکراسی ناکارآمد، دود شد و به هوا رفت.

• وضعیت عقلانیت، افول روند سیر اندیشه، تدبیر و تولید فکر تاروشن شود در گذشته‌ی تاریخی، بر مردم و منش ایرانی چه گذشته و فهمی از چرایی توسعه‌ناپذیری مردم و توسعه‌نیافتگی کشور به دست آید. دست‌رسی به گذشته‌ی تاریخی یاری فراوانی به فهم امروز و آموختن از گذشته می‌کند، زیرا نمی‌توان از توسعه‌نیافتگی یا توسعه‌ناپذیری سخن گفت، اگر ساختار طبیعی و اجتماعی، زیست‌معیشتی حداقلی مردم در کنار ساختار سیاسی کشور در دوره‌های تاریخی از بررسی آرای پیشینیان، خاطرات سیاحان و داوری اندیش‌مندان و روشن‌فکران معاصر فهمیده نشود.

این دفتر در ۷ بخش به شرح زیر تهیه شده است:

- در بخش اول؛ بر اساس معیارهای جهانی توسعه‌یافتگی؛ الگوواره، پارادایم و یا مدلی برای کیفیت زندگی در جامعه‌ی آرمانی و الزامات دست‌یابی به آن آمده است.
- بخش دوم؛ شرح مستندی از عقب‌ماندگی جامعه، وضع موجود، توسعه‌ی ناموزون و نامتعادل و فاصله‌ی ایران تا آستانه‌ی توسعه موزون و پایدار را به دست می‌دهد.
- بخش سوم؛ مرور فشرده‌ای دارد بر فیزیوگرافی، جغرافی، منابع طبیعی، ساختار اجتماعی، کشاورزی محدود با آبیاری مصنوعی و پیشه‌های متداول.
- بخش چهارم؛ در یک برش طولانی تاریخی، نگاهی دارد بر حوادث، جنگ‌ها، ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها، هرج و مرج‌ها، تهاجمات، جباریت حاکمان و بلایایی که در طول سده‌های پی‌درپی بر مردم رفته است.
- بخش پنجم؛ به اختصار شکل‌گیری تمدن و فرهنگ، روند تاریخی سیر پیشرفت اندیشه و علوم و سپس رکود و خاموشی علم و فرهنگ و نبود فضای تولید فکر شرح داده می‌شود.
- بخش ششم؛ به تحلیل و نتیجه‌گیری از سنگینی اثرات سوانح تاریخ گذشته (آوار بخش‌های سوم تا پنجم) بر شانه‌های مردم می‌پردازد.
- بخش هفتم؛ به اختصار چاره و راهکار برون‌رفت تدریجی از بحران‌ها و حرکت به سوی توسعه‌یافتگی پیشنهاد می‌شود.

البته پیش‌رفت‌های نسبی کشور، بعد از جنگ تحمیلی عراق در زمینه‌ی زیرساخت‌های آب و برق، گاز و مخابرات، راه و مسکن، بندر و فرودگاه، بهداشت و درمان و توان دفاعی کشور را نباید نادیده گرفت. ولی در عین حال هم نمی‌توان پذیرفت، کشوری به وسعت ایران با منابع طبیعی غنی، انواع امکانات وسیع برای توسعه، انبوه جمعیت متخصص با ظرفیت‌های بالا نتوانسته باشد در قامت یک کشور توسعه‌یافته خودنمایی کند.

هدف اصلی این دفتر؛ واکاوی ریشه‌ها و علل تاریخی توسعه‌ناپذیری توده‌ی مردم و توسعه‌نیافتگی کشور است. در این راستا به عوامل ساختاری گوناگونی که مانع رشد اجتماعی، توسعه‌پذیری، شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی، پیش‌رفت علوم انسانی، بهره‌گیری از منابع و ظرفیت‌ها، برای دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار، نیک‌بختی و رفاه جامعه اشاره می‌شود. برای پاسخ به توسعه‌نیافتگی ایران؛ از روش‌شناختی اسنادی (کتابخانه‌ای)، استفاده تا تأثیر سنجه‌های زیر در دوره‌های تاریخی گوناگون سده‌های گذشته بر زیست و سرشت مردم، هم‌چنین بر سرنوشت کنونی بررسی شود:

- وضعیت مردم در ساختار طبیعی سرزمین، ساختار اجتماعی، معیشت حداقلی، اقلیم خشک و کم‌آب، فیزیوگرافی سرزمین پهناور، کوهستانی، کویری با مناطق وسیع غیرمسکون، شهرها و روستاهای پراکنده‌ی دور از هم.
- هویت تاریخی، هویت ملی، هویت قومی، ریشه‌های تاریخی و سنت‌های مشترک
- ترکیب قومی، ترکیب جمعیتی یک‌جانشین، ایلات و عشایر کوچنده
- پیشینه‌ی تاریخی، جنگ‌ها و حملات اقوام خارجی، تخریب و آوارگی، کشتار، قتل‌عام‌ها و غارت، تداوم ۸۵۰ ساله‌ی حکومت‌های ملوک‌الطوایفی ریز و درشت.
- ساختار اقتصادی؛ کشاورزی محدود با آبیاری مصنوعی، اقتصاد دهقانی و خرده‌پیشه‌وری
- ساختار سیاسی؛ حکومت‌های استبدادی و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، جباریت نظام‌های سیاسی، ناامنی، بی‌ثباتی و هراس مردم از حکومت و آینده
- پیشینه‌ی دیوانی؛ دیوان‌سالاری کهن ایرانی شهری و دیوان‌سالاری ظل‌اللهی، بوروکراسی ناکارآمد و خودکامه اداری

مردم داشت که چگونه برای بقا و ادامه‌ی زندگی، ناخواسته مجبور به انتخاب رفتار و خلقیاتی به عنوان سپرهای دفاعی شدند که در پناه این سپرها بتوانند مقاومت کرده و به ماندگاری خود ادامه دهند.

اما از آن‌جا که ایران، گهواره‌ی تمدن جهان شناخته شده و اولین امپراتوری‌های بزرگ در ایران شکل گرفته و جامعه‌ی جهانی به میراث فرهنگی ایران می‌بالد، مرور فرایند تحولات فرهنگی و فراز و نشیب علم و اندیشه در رابطه با مندرجات بخش‌های سوم و چهارم ضرورت یافت و این مهم در بخش پنجم تحلیل، تبیین و روشن شد که بعد از سقوط ساسانیان تا حکومت صفویه، ایران توسط خاندان‌ها و ایلات ریز و درشت، برای ۸۵۰ سال به شکل ملوک‌الطوایفی اداره و فاقد حکومت مرکزی بوده است. از سوی دیگر چراغ فروزان علم و تفکر که در سده‌ی چهارم هجری (دهم میلادی) در اوج درخشندگی بود و دوران زرین تاریخ بعد از اسلام خوانده می‌شد، از قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) رو به خاموشی گذاشت. این توقف اندیشه و تولید فکر تا انقلاب مشروطیت، نزدیک به ۸۰۰ سال به طول انجامید.

ترکیبی از شرایط نامناسب و محدود اقلیمی، اقتصاد معیشتی حادقالی (بخش سوم)، ستم حاکمان جبار در محیط ناامن و بی‌ثبات، جنگ و سرکوب، قتل عام، اخاذی (بخش چهارم) به‌علاوه امتناع از شکوفایی اندیشه و تولید فکر (بخش پنجم)، مردم را در چرخه‌ای از شرایط بد زیستی قرار داد که سبب نهادینه شدن خلق و خوی منفی واپس‌گرانه شد؛ افول تفکر و خردورزی در چندین سده، همراه با ناامنی و بی‌ثباتی، دلواپسی و هراس در شرایط اقلیمی نامساعد، ستم و سرکوب حکام جابر، اثرات سوئی بر کنش و منش و اخلاقیات توده مردم وارد کرد که این خلق و خوی منفی و ناهنجاری‌های رفتاری، مدام بازتولید شده است و به آغازگاه ویران‌گر خود بازمی‌گردد و توسعه‌پذیری را دشوار و به تأخیر می‌اندازد. تحلیل و نتیجه‌گیری این وضعیت در بخش ششم آمده است.

بخش هفتم با استناد به مندرجات بخش اول، در مورد توسعه‌ی انسان‌محور و تحصیل رضایت اصولی جامعه و رعایت موازین و مصوبات سازمان ملل و اصول مندرج در بیانیه‌های جهانی، پیشنهادهایی به عنوان راهکار برای خروج از ابربحران‌ها و محرومیت‌های مندرج در بخش دوم و رهایی از توسعه‌نیافتگی ارائه می‌دهد.

وقت آن رسیده که به همت نخبگان، فیلسوفان و عقلای جامعه، تدابیری برای خودپالایی و بازگشت خلقیات حمیده با شعار «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» اندیشیده شود تا منش و رفتار توده‌ی مردم با جهان آینده، فناوری‌های پیچیده، ربات‌ها، هوش مصنوعی، فناوری‌های فضایی، علوم انسانی، حفاظت از محیط زیست، پیدایی سرمایه‌ی اجتماعی، قانون‌گرایی و توسعه‌پذیری سازگار و همراه شود.

با توجه به عناوین هفت بخش بالا؛ در بخش اول، الگوواره یا مدل زندگی مطلوب در جامعه‌ی آرمانی؛ یعنی جامعه‌ای که در نتیجه‌ی تصمیم‌گیری عقلانی حاکمان به یاری نخبگان و تخصص‌های کارشناسی در حوزه‌های مختلف با هدف بهینه‌سازی منابع و امکانات کشور در جهت رفاه مردم و ایجاد امید و انگیزه پیش‌رفت در نسل جوان بر پایه‌ی آینده‌پژوهی و رعایت اصول آمایش سرزمین در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه شکل می‌گیرد، شرح داده شده است. در این بخش، ضمن اشاره به توسعه‌ی پایدار، توسعه‌یافتگی، جامعه‌ی مدنی، سرمایه‌ی اجتماعی، بر توسعه‌ی انسان‌محور و رضایت مردم از سرنوشت‌شان تأکید می‌شود.

در بخش دوم و پس از شرحی از پیشینه‌ی هفتاد سال برنامه‌ریزی ناموفق و ناپیوسته‌ی توسعه در ایران، به ترسیم وضع موجود جامعه با استناد به گزارش‌های پژوهشی مراکز معتبر داخلی (بانک مرکزی، نهاد استراتژیک ریاست جمهور، مرکز پژوهش‌های مجلس ...) و استفاده از شاخص‌های جهانی توسعه می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که در بسیاری از زمینه‌های انسانی، جامعه‌ی توسعه‌نیافته و تا آستانه‌ی توسعه‌ی پایدار، موزون، هم‌آهنگ و یک‌پارچه راه درازی در پیش دارد.

نظر به قدمت توسعه‌نیافتگی در قیاس با سایر کشورهای توسعه‌نیافته که از ایران عقب‌مانده‌تر بودند، بعداً شتابان جلو افتاده و به توسعه دست یافتند. در پاسخ به چرایی تفاوت وضعیت اجتماعی و رفاهی جامعه در مقایسه با مدل کیفیت زندگی مندرج در بخش اول، نیاز به واکاوی و نگرش تاریخی برای درک و فهم ریشه‌های عقب‌ماندگی احساس شد و این واکاوی و نگرش تاریخی در سه بخش سوم تا پنجم به گونه‌ای فشرده انجام شد.

ابتدا فیزیوگرافی و جغرافیای ایران زمین، گونه‌های جمعیتی، مناطق مسکون و غیرمسکون، منابع در دسترس، اقتصاد معیشتی با محدودیت امکانات ثروت‌اندوزی و سرانجام در بخش سوم تبیین و نمونه‌هایی از دآوری‌های مورخین و پژوهندگان حاکی از وضعیت نامطلوب مردم در سده‌های پی‌درپی برای فهم بهتر مطلب نقل شد.

در پی آشنایی با رفتار جابرانه‌ی حکومت‌ها و ناکامی‌های اجتماعی و اقتصاد معیشتی مردم در بخش سوم، مرور فرایند تاریخ سیاسی ضرورت یافت. در بخش چهارم و در یک برش تاریخی درازمدت، رابطه‌ی حکومت‌ها با یک‌دیگر و رابطه‌ی حاکمان مستبد با مردم (رعیت) و رنجی که بر آن‌ها رفته است، به نقل از مورخین زمان، به اختصار توضیح داده شد.

ترکیب شرایط محیطی و اقتصاد محدود معیشتی مردم (بخش سوم) با شرایط نامناسب حاکمان ستم‌گر، جنگ‌ها، یورش‌ها، غارت‌ها و ناامنی‌های تحمیلی به مردم ایران (بخش چهارم) نشان از سنگینی تعدیات، فشارها، تنگی‌های وارده بر

گفتنی است که علی‌رغم همه بی‌رحمی‌ها و مصائبی که بر ایرانیان در طول تاریخ گذشته وارد آمده، آنچه سبب ماندگاری ایران و ایرانی بودن شده است، تمدن باستان، فرهنگ قدرت‌مند، اسطوره‌ها، زبان، هنر، ادبیات و هم‌بستگی اقوام ایرانی بوده است. شخصیت‌های نمادین تاریخی بسان میترا، زرتشت، آرش کمانگیر، آناهیتا ایزدبانوی آب، فریدون، کاوه آهنگر، جمشید، رستم، ققنوس، هما، سیمرغ از دوره‌ی باستان و مشاهیر، فیلسوفان، دانش‌مندان، ادبا و شعرای بعد از اسلام، نقش مهمی در حفظ وحدت، تاریخ و فرهنگ ایران ایفا کرده‌اند.

بدون تردید با همه‌ی کوششی که به کار رفته، این دفتر عاری از کاستی‌ها و خطاها نیست. امید دارد با ارشاد، راهنمایی و نقدهای سازنده‌ی فرهیختگان و صاحب‌نظران زمینه‌ی کاهش کاستی‌ها و خطاها برای پربارتر کردن آن برای چاپ‌های بعدی فراهم آید.

امید است نقل قول‌های متعدد و مستند تاریخی از جانب مورخین، متکلمان، شاهدان و متولیان زمان که به قصد ارایه مصادیق بیش‌تری برای تشریح وضعیت مردم صورت گرفته است، سبب کسالت خواننده نشود. امید است این دفتر پرتوی بر شناخت فرزندان برومند این سرزمین افکند و انگیزه‌ای برای ادامه‌ی بیش‌تر مطالعات ژرف جامعه‌شناختی تاریخی با لحاظ کردن محدودیت‌های اقلیمی، جغرافیایی، فیزیوگرافی سرزمینی، ساختار جمعیتی، جباریت نهادینه‌شده فراهم آورد. این گام به مانند گام‌هایی که دیگران در همین راستا برداشته‌اند، نشان از التزام اجتناب‌ناپذیر در پژوهش بیش‌تر تاریخی دارد تا پس از تشخیص مشکلات اخلاقی و رفتاری جامعه به کمک اساتید، جامعه‌شناسان و استراتژیست، نقشه‌ی راه و راهبردهای حذف موانع توسعه‌پذیری تدوین شود.

در پایان لازم می‌داند از دوستان فخریم، دانش‌ور و فرهیخته: مهندس بیژن جلالی، مهندس مرتضی حقوقی، دکتر حسین دهقانی‌سنج، دکتر اسمعیل شمس، دکتر حسن صدیق، دکتر فریدون مجلسی، مهندس انوش نوری اسفندیاری، مهندس ابوالفضل میرقاسمی که با علاقه و دقت در مرور متن و ساختار این دفتر رهنمون‌هایی سودمند ارایه فرمودند، با فروتنی سپاس‌گزاری کنم. از مهندس پارسا ارشدی برای اینفوگرافیک متن و تهیه‌ی مآخذ حوزه‌ی آب و از محمد اسمعیل جعفری، مدیر نشر پژواک کیوان که با حوصله به ویرایش، طراحی، تنظیم و چاپ این دفتر پرداختند، قدردانی کنم.

احمد آل یاسین

شهریور ۱۳۹۹

زندگی زیباست ای زیباپسند

زنده‌اندیشان به زیبایی رسند

آن چنان زیباست این بی‌بازگشت

کز برایش می‌توان از جان گذشت

سیاوش کسرایی

بخش اول

الگوواره‌ی کیفیت زندگی